قلم تراز ۳

یادداشت های پژوهشگران
معارف انقلاب اسلامی

پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

یا مقلب القلوب والابصار



حماسه ملی

بهار ۱۴۰۵ | سال اول / ویژه نامه نوروز / انقلاب اسلامی

نشریه قلم تراز

نشریه کفتمان انقلاب اسلامی



نشریه قلم تراز

ویژه نامه نوروز

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

مدیر مسئول: دکتر حسن نیک‌کار

سردبیر: علی تقی نژاد

اعضای هیئت تحریریه:
دکتر شهاب الدین عالمی
حجت الاسلام سید حسین چاوشیان
دکتر علی تقی نژاد
دکتر فاطمه رضوی راد
دکتر مرضیه صادقیان

طراح گرافیک: نسرین اصغری

فهرست مطالب

نشریه ویژه نوروز:

- نوروز ۱۴۰۵؛ بهارِ بیداری بر خاکِ خون‌شده — مسعود ارجمند — ۱
- نقش و کارکرد بازدارندگی ملی «سنت شکر» در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب — مریم اسماعیلی — ۲
- وحدت ملی شرط لازم برای تحقق امنیت ملی — سجاد اشتری — ۴
- رهبر معظّم انقلاب از تلاش مضاعف چه کسانی تشکر کردند؟ — زهرا باقری — ۶
- نوروز ۱۴۰۵؛ منشورِ اقتدار، بهارِ بیداری — شمسعلی تابیده — ۸
- تلاش اجتماعی مردم در سایه وحدت ملی — علی تقی نژاد — ۱۰
- جایگاه مردم؛ در تحقق شعار اقتصاد مقاومتی در سایه سار وحدت ملی و امنیت ملی — مهدی سورمه — ۱۱
- وفای ملت؛ از صحنه تا کربلا — ملیحه ضیایی — ۱۳
- مسیر تبدیل جامعه به تمدن ، از همبستگی اجتماعی تا تربیت تمدنی — شهاب الدین عالمی — ۱۵
- سنگرهای نورانی؛ رمز پیروزی در جنگ ترکیبی — محمود عرب اسماعیلی — ۱۸
- اقتصاد مقاومتی به‌مثابه دالّ مرکزی: بازآرایی گفتمان امنیت ملی درپیام نوروزی ۱۴۰۵ — حجت حاجی محمدی یزدی — ۲۰
- اقتصادمقاومتی درسایه سار وحدت‌و امنیت ملی — زهرا یوسفی مصری — ۲۲

فروردین ماه ۱۴۰۵

بیعت‌نامه
پژوهشگران معارف انقلاب اسلامی با سومین رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله)

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

«الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ»

اینک و در این مقطع حساس از تاریخ انقلاب اسلامی ایران که قلوب شیعیان، عزادار امام شهیدشان توسط اشقی الاشقیای زمانه است و به فضل و مدد الهی به انتقامی سخت از سوی یاران صدیق و وفادار آن امام شهید منتهی خواهد شد، شاهد لطفی دیگر از الطاف بی‌کران الهی در حق این ملت شریف به‌واسطه معرفی صالح امت از سوی مجلس خبرگان رهبری هستیم که موجبات فزونی امید و تسکین قلوب اهل حق و یأس و ناامیدی اهل کفر و باطل را منجر شد. والحمدلله رب العالمین.

قطعاً حمله دهشتناک و خلاف حقوق مسلم انسانی و بین‌المللی دشمن خون‌ریز نتوانست به سستی باورها و اراده‌ها در میان صفوف مستحکم ملت بیانجامد و این جز لطف و مدد حضرت ربوبی چه می‌تواند باشد و جز شکر چه می‌توان بر زبان جاری ساخت.

پژوهشگران معارف انقلاب اسلامی ضمن عرض تبریک، تسلیت و تعزیت به امام امت حضرت آیت‌الله حاج سید مجتبی حسینی خامنه‌ای عزیز، بیعتی از جنس بیعت نور و رضوان را با خلف صالح و نور چشم امام شهیدمان اعلام می‌داریم و رجاء واثق به درگاه الهی داریم که این بیعت تا سر منزل شهادت با گامی استوار و قلبی مطمئن، همراه و توشه آخرتمان باشد ان شاءالله.

ای رهبر عزیز؛

عهد ما با شماست که مسیر رشد و پیشرفت را از خودسازی آغاز کرده و اندیشه، دانش و قلم خویش را در خدمت آگاهی، مسئولیت‌پذیری و اخلاق قرار دهیم و با تلاش پیوسته در راه جامعه‌پردازی و نیل به تمدن‌سازی از هیچ تلاشی فروگذار نکنیم.

ما عهد می‌بندیم که با حفظ روحیه اخلاص، تقوا و تلاش علمی، در مسیر پاسداری از ارزش‌های الهی و آرمان‌های بلند اسلام ثابت‌قدم بمانیم و سرمایه اندیشه و پژوهش خود را در راه اعتلای فرهنگ دینی و گسترش آگاهی در جامعه به‌کار گیریم.

ما بر آنیم که قلم، اندیشه و تلاش علمی خود را در خدمت ترویج معارف اسلامی، تعمیق ایمان جامعه و گسترش فرهنگ حق‌طلبی و عدالت‌خواهی قرار دهیم و در مسیر هدایت و روشنگری، مسئولانه و استوار گام برداریم.

ما بر این باوریم که راه علم، معرفت و تبیین معارف ناب اسلامی، راهی است که با مجاهدت عالمان ربانی و فداکاری صالحان تاریخ تداوم یافته و امروز نیز بر دوش اهل قلم و اندیشه قرار دارد. از این رو خود را موظف می‌دانیم که با اخلاص، تقوا و تلاش پیگیر علمی، در مسیر ترویج معارف اسلامی، تعمیق ایمان و گسترش آگاهی در جامعه گام برداریم.

از خداوند متعال مسئلت داریم که ما را در این مسیر ثابت‌قدم بدارد و توفیق خدمت خالصانه به معارف نورانی اسلام و آرمان‌های بلند امت اسلامی را روزی ما قرار دهد.

نصر من الله و فتح قریب

پژوهشگران ادوار پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

شناخت نقشه جنگ آمریکا و رژیم صهیونی
علیه ایران، مطرح شده در پیام نوروزی رهبر انقلاب

حماسه ملی



هدف
دشمن از جنگ
تسلط بر ایران و سپس تجزیه ایران

واکنش ملت ایران

- ایجاد خطّ دفاعی گسترده به وسعت کشور
- ایجاد سنگرهای مستحکم به تعداد میادین و محلات و مساجد
- وارد ساختن ضربه گیج کننده به دشمن و مبتلا شدن دشمن به یاوه‌گوئی و گفتن کلمات متناقض

حماسه مردم در جنگ

- ایجاد شکستگی در دشمن با وحدت عجیب بین هموطنان

وظیفه مهم همگان

- استفاده خوب از نعمت وحدت و شکرگزاری نسبت به آن

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای
رسانه رهبر انقلاب اسلامی

نوروز ۱۴۰۵؛ بهارِ بیداری بر خاکِ خون‌شده

مسعود ارجمند؛
پژوهشگر دوره دهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

با عرض تبریک سال جدید به همه ملت شریف و وطن دوست ایران و رزمندگان مدافع وطن عزیزمان،

الف) آنچه امسال را از همه سال‌ها جدا می‌کند:

نوروزهای پیشین، ما از «امید» می‌گفتیم؛ امسال از «امیدِ آزموده‌شده» حرف می‌زنیم. فرقِ این دو را همه می‌فهمند:

- امیدِ آزموده‌شده، آن است که در آتشِ دوازده روز جنگ، در غمِ ترورِ رهبر، در اندوه‌ی نونهالان میناب و دریادلان دنا نسوخت؛ بلکه پولادین‌تر شد.

- این یعنی ملت ایران فهمید که «سرنوشت» را نه در کاخ‌های غرب، که در اراده‌ی جمعیِ خودشان باید جستجو کرد. همان‌که قرآن فرمود: **«اطیعوالله واطیعوالرسول اولامر منکم»**

ب) سه پیامِ پنهان در کلامِ رهبری

در لابه‌لایِ جملاتِ پیام نوروزی، سه سیگنالِ راهبردی نهفته بود که شاید از نگاهِ عادی پنهان بماند:

۱. اعتراف به درد، انکار به درمان نیست

وقتی رهبری از شنیدنِ گلایه‌های مردم در تاکسی و بازار می‌گویند، یعنی نظام، درد را «انکار» نمی‌کند؛ بلکه آن را «تشخیص» داده و به دنبالِ درمان است. این شجاعتِ اعتراف، خود نیمی از علاج است.

۲. اقتصاد، سنگرِ خاموشِ جنگ

دشمن فهمیده است که موشک و پهپاد به تنهایی ایران را نمی‌شکند؛ پس «جنگِ معیشت» را طراحی کرده. شعارِ امسال یعنی: هر کارگاهِ تولیدی، هر مزرعه، هر فروشگاهِ رونق‌گرفته، یک پایگاهِ مقاومت است.

۳. همسایه، برادر است نه رقیب

دعوتِ صادقانه به آشتیِ افغانستان و پاکستان، و روشنگری درباره‌ی سناریوهایِ فریب در ترکیه و عمان، یعنی ایران می‌خواهد «امنیتِ جمعیِ منطقه» را بدونِ حضورِ بیگانگان تعریف کند.

ج) از شهید تا شهادت؛ زنجیره‌ی پیوسته

سال ۱۴۰۴ با شهادتِ رهبرِ انقلاب آغاز شد و با شهادتِ ده‌ها فرمانده و شهروندِ عادی ادامه یافت. اما پیامِ نوروزیِ ۱۴۰۵ یک حقیقت را فریاد زد: «شهادت، پایانِ راه نیست؛ آغازِ نفوذِ کلمه در تاریخ است.» رهبر شهید رفت، اما راهش در رگ‌هایِ این ملت جاری شد. این یعنی «**حسین‌وار زیستن**» در عصرِ مدرن.

د) تکلیفِ ما در سالِ جدید

پیام نوروزی برای منِ شهروند، سه وظیفه روشن کرد:

اوظیفه | مصداق عملی |

اشکرِ عملی | خریدِ کالای ایرانی، پرداختِ مالیات، مشارکت در تولید| اوحدتِ کلمه | پرهیز از تفرقه‌افکنی، شنیدنِ نقد بدونِ قهر |انشاطِ مسئولانه | برگزاریِ عروسی‌ها، دیدوبازدیدها، با حفظِ حرمتِ خونِ شهدا

ه) کلامِ آخر

نوروز ۱۴۰۵، بهارِ بلوغِ یک ملت است. ملتی که فهمید:

- ترور، پایانِ راه نیست.

- تحریم، سرنوشت نیست.

- و آینده، نوشتنی است با دستانِ پینه‌بسته‌ی کارگر، با قلمِ امینِ معلم، و با اراده‌ی پولادینِ یک ملت.

به امیدِ روزی که اقتصادِ ایران، نه در سایه‌ی تحریم، که در پرتوِ همتِ فرزندانِ این خاک، به «الگویِ منطقه‌ای» تبدیل شود.

والسلام علی من اتبع الهدی



نقش و کارکرد بازدارندگی ملی «سنت شکر» در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب

مریم اسماعیلی

پژوهشگر دوره هفتم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

مقدمه

در منظومه فکری انقلاب اسلامی، مفاهیم اخلاقی و عبادی هرگز به عنوان توصیه‌های فردی و جدا از واقعیت‌های اجتماعی تلقی نمی‌شوند؛ بلکه این مفاهیم، ریشه در هستی‌شناسی توحیدی دارند و سازوکاری برای مدیریت جامعه و تعاملات اجتماعی محسوب می‌شوند. در این میان، مفهوم «شکر» از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است.

تحلیل مفهومی و معناشناختی شکر

شکر در لغت به معنای یادآوری احسان و اظهار قلبی، زبانی و عملی نسبت به آن است (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۵، ۱: ۲۶۵) و در فرهنگ قرآنی و روایی در تقابل با «کفر» به معنای نسیان و پوشاندن نعمت قرار می‌گیرد. امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

«الشُّكْرُ وَضِدُّهُ الْكُفْرَانُ»

(کلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ۱: ۲۱).

جایگاه ویژه شکر تا بدانجاست که یکی از صفات خداوند، «شکور» و «شاکر» است.

خداوند متعال در قرآن کریم شکر را به عنوان سنت و قانونی تخلف‌ناپذیر برای تداوم و افزایش نعمت دانسته و می‌فرماید:

«وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ و هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کنید، قطعاً [نعمتِ] خود را بر شما می‌افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی‌تردید عذابم سخت است» (ابراهیم: ۷).



در مباحث کلامی و فقهی نیز «**وجوب شکر منعم**» قاعده‌ای بنیادین است. آیت‌الله اعرافی با تفکیک «منعم حقیقی» (خداوند) و «منعم‌های غیرحقیقی» (واسطه‌ها)، شاکر بودن نسبت به واسطه‌های فیض را بخشی از توحید عملی می‌داند (درس خارج فقه، ۱۴۰۴/۰۷/۰۷). امام رضا (ع) نیز در روایتی می‌فرماید: «من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر عزّوجلّ؛ هرکس از مخلوقین که واسطه دریافت نعمتی شده‌اند شکرگزاری نکند، ازخدا شکرگزاری نکرده است» (ابن بابویه، عیون اخبارالرضا، ۱۳۷۸، ۱: ۲۷). این روایت، پایه و اساس تحلیل‌های سیاسی رهبر معظم انقلاب را در خصوص شکرگزاری از نعمت «وحدت ملی» و «امنیت ملی» تشکیل می‌دهد.

شکر به عنوان مکانیسم ژئوپلیتیک و بازدارندگی ملی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در پیام نوروزی ۱۴۰۴/۱۲/۲۹، به نکته‌ای کلیدی و راهبردی درباره شکرگزاری اشاره می‌کنند که می‌تواند به عنوان الگویی برای مدیریت بحران‌های ملی و ایجاد بازدارندگی مورد توجه قرار گیرد. ایشان با هوشمندی سیاسی، «وحدت ملی» را در شرایطی که دشمنان به دنبال ایجاد شکاف هستند، به عنوان یک «نعمت خاص» معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «در حال حاضر در اثر وحدت عجیبی که بین شما هم‌وطنان با همه تفاوت خاستگاه‌های مذهبی، فکری، فرهنگی و سیاسی ایجاد شده، در دشمن شکستگی به وجود آمده است. این را باید نعمتی خاص از ناحیه حضرت حق جلّ و علا دانست و بسیار بر آن با زبان و در دل و هم در مقام عمل شکر به جا آورد».

رهبر انقلاب در این بیان، به سه نکته کلیدی تأکید کرده‌اند:

۱. شناسایی نعمت در بستر تهدید: حضرت آیه الله خامنه‌ای به مانند رهبر شهید انقلاب به عنوان یک سیاستمدار و حکیم دینی از دل بحران‌ها، فرصت‌های نهفته را مورد توجه قرار می‌دهند. ایشان با توجه به آنکه اکنون کشور در بحبوحه جنگ تحمیلی رژیم آمریکایی صهیونی قرارگرفته است، وحدت، در سایه تهدیدات دشمن را یک نعمت راهبردی و مکانیسم ژئوپلیتیک برای مقابله با آن می‌دانند.

۲. سنت تخلف‌ناپذیر افزایش نعمت: ایشان برحسب باور به تعلیمات دینی، بر این اعتقاد هستند که شکرگزاری، ریشه نعمت را استوارتر می‌کند. این همان قانون هستی‌شناسانه «لَئِن شَکَرتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ» است که در سطح کلان سیاسی کاربرد بسیار مهمی دارد.

۳. انحاء مختلف شکر؛ زبانی، درونی و عملی: رهبر معظم انقلاب در بخشی از اولین پیام نوروزی خود، از همه کسانی که در کنار حضور در میادین، با تلاش مضاعف نقش اجتماعی خود را پررنگ می‌کنند، تشکر می‌کنند و به طور خاص می‌فرمایند: «از جمله بعضی واحدهای تولیدی اعم از دولتی و خصوصی و از جمله بعضی اصناف خدماتی و به خصوص افرادی که صرفًا انواع خدمات مفید را بدون اینکه شغلشان اقتضاء کند، بطور رایگان به مردم ارائه می‌کنند...» اما شکر فراتر از بعد زبانی، یک حرکت درونی و باطنی نیز دارد. از نظر رهبر انقلاب، شکر گفتن با زبان کافی نیست. شکر عملی نسبت به نعمت وحدت، آن است که از این سرمایه «به درستی استفاده شود» و به قدرت، پیشرفت و امنیت تبدیل شود تا دشمن خوار و خفیف گردد. مشارکت اجتماعی و خدمت‌رسانی رایگان مردم و بخش خصوصی در کنار دولت، مصداق بارز این شکر عملی است که یک «بازدارندگی نرم» در برابر توطئه‌های دشمن برای فروپاشی اقتصادی ایجاد می‌کند. دقیقا بر حسب همین معنا، شعار سال جدید از سوی رهبر معظم انقلاب «اقتصاد مقاومتی» در سایه «**وحدت ملی**» و «**امنیت ملی**» نامگذاری شده است.

نتیجه‌گیری

مفهوم شکر در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب، فراتر از یک توصیه اخلاقی است و به عنوان یک «قاعده بازدارندگی ملی» عمل می‌کند. شکرگزاری از نعمت وحدت، نوعی «طهارت سیاسی» است که قدرت ملی را تثبیت می‌کند. همان‌طور که در روایات آمده، شکر مایه فزونی نعمت است؛ در سطح کلان سیاسی نیز، شکر عملی از نعمت نظام و انقلاب، تضمین‌کننده امنیت و اقتدار ملی در برابر دشمنان خواهد بود. «سنت شکر» در مدل وحدت ملی، یک مکانیسم ژئوپلیتیک است که با تبدیل سرمایه‌های معنوی به قدرت سخت و نرم، انسجام داخلی را پولادین‌تر می‌سازد.

وحدت ملی شرط لازم برای تحقق امنیت ملی

سجاد اشتری
پژوهشگر دوره نهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

آیه شریفه:
«مِنَ الَّذِینَ فَرَّقُوا دِینَهُمْ وَکَانُوا شِیَعًا ۖ کُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَیْهِمْ فَرِحُونَ(روم،۳۲)

در شروع کلام خلاصه ای است از آنچه مقصود است. آری! یکی از نشانه‌های شرک، پراکندگی و تفرقه است. رهبر شهید در تبیین این نکته می‌فرمایند:
«بنای توحید -که مبنای فکری و اعتقادی و اجتماعی و عملی ما است- بر وحدت است. تفکّرات شرک‌آلود، انسانها را هم تقسیم می‌کند. و در جامعه‌ای که بر مبنای شرک بنا شده باشد، طبقاتِ انسان هم جدای از یکدیگر و بیگانه‌ی از یکدیگرند. هر جا در میان مؤمنین و بندگان صالح خدا وحدت هست، آنجا توحید و خدا هم هست؛ هر جا بین مؤمنین و بین بندگان صالح خدا اختلاف است، آنجا قطعاً شیطان و دشمن خدا حاضر است. هر جا شما اختلاف دیدید، جستجو کنید، بدون دشواری شیطان را در آنجا خواهید یافت».(۱۳۶۸/۰۹/۲۹)

در یکی از دشوارترین و سرنوشت‌سازترین گردنه‌های تاریخی، در آن دم که غبار فتنه‌ها و سختیِ مسیر، بیمِ گم‌گشتگی را در دل‌ها زنده می‌کند، در پیش گرفتن راه فتح و پیروزی، نیازمندِ تکیه‌گاهی استوار است. در چنین شرایطی، فرض است و بر همگان واجب که دیدگانِ جان را به اشارات و رهنمودهای «امامِ شهید» بدوزند؛ همان ناخدایِ خداباور و نقشه‌خوانِ بصیرِ امت که با نگاهی نافذ، کرانه‌های ناپیدایِ رستگاری را می‌دید و در تلاطم امواج، کشتیِ جامعه را به سوی ساحلِ عزت هدایت می‌کرد. ایشان که با خون خود مسیرِ حق‌طلبی را سرخ و روشن نگاه داشتند، در تبیینِ صراط پیروزی، چنین بیان داشتند:
«بدون جهاد، هیچ دشمنی از صحنه عقب‌نشینی نخواهد کرد، و جهاد هم جز با اتحاد و وحدت و هماهنگی، امکان‌پذیر نیست. جهاد، عبارت از جهاد نظامی، جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی است. این هر سه، جهاد است».(۱۳۶۹/۰۱/۲۲)

آنچه ما تحت عنوان «وحدت» از آن یاد می‌کنیم، به معنایِ صوری و سطحیِ آن یعنی یکسان‌سازی اجباریِ اندیشه‌ها، هم‌رنگ کردنِ سلیقه‌ها یا لزوماً



ادغامِ تشکیلاتیِ گروه‌ها در یک قالبِ واحد نیست؛ چراکه تنوع آرا می‌تواند مایه پویایی باشد. بلکه حقیقتِ وحدت، درهم‌تنیدگیِ «اراده‌ها» و تبلورِ یک «خواستِ درونیِ جمعی» است که همچون روحی در کالبد جامعه دمیده می‌شود.

اگر امروز مشاهده می‌کنیم که ایران مقتدر، با صلابتی مثال‌زدنی در برابر مدعیانِ پرطمطراقِ ابرقدرتی ایستاده و پرچمِ عدالت‌خواهی را در جهانِ پرآشوبِ امروز افراشته نگاه داشته است، ثمره‌ی شیرینِ همان پیوندِ قلبی و عزمِ مشترکِ آحاد جامعه در بیزاری از بن‌بستِ ظلم و نفیِ سلطه‌گری ظالمان است.

این وحدتِ راهبردی، همان کلید طلایی است که اگر از میدان‌های عمومی فراتر رفته و با ظرافت در لایه‌های عمیقِ «جهاد فرهنگی» و «بصیرت سیاسی» نیز جاری و ساری شود، چنان قدرتِ بی بدیلی خلق خواهد کرد که هیچ سدی تاب ایستادگی در برابر آن را نخواهد داشت. در آن صورت، پیروزیِ همه‌جانبه بر جبهه کفر و استکبار، دیگر نه یک آرزوی دور، که یک واقعیتِ قطعی و تخلف‌ناپذیر خواهد بود.

«گره‌های بزرگ و گوناگون یک ملت را، اتّحاد آن ملت با سرانگشتی معجزآسا باز میکند. چنان که اتّحاد ملت ما نیز همین گونه بوده است و در آینده نیز همین طور خواهد بود. این، همان خصوصیتی است که امام بزرگوار، دائماً ما را به آن وصیت و نصیحت میکرد و پیوسته مردم را به «وحدت کلمه» و اتّحاد در شعارها، حرکت‌ها، اقدامها و همدلی با یکدیگر دعوت میفرمود. آن روز علاج مشکلات، وحدت کلمه و اتّحاد بود؛ امروز هم اتّحاد و وحدت کلمه، علاج کننده مشکلات است». (۱۳۷۵/۱۱/۲۱)

این گذرگاه خطیر تاریخی در مسیر پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی، بی‌تردید حکمِ یک «نقطه عطفِ تمدن‌ساز» را دارد که فرجام آن، جغرافیایِ قدرتِ ایران را در معادلات جهانی بازتعریف خواهد کرد. ما در آستانه‌ی عبوری سرنوشت‌ساز هستیم که پس از پشت سر گذاشتن آن، ایران اسلامی نه صرفاً به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای، بلکه در قامت یکی از نافذترین و اثرگذارترین قطب‌های جهانی در عرصه‌های کلانِ اقتصادی، دیپلماسی سیاسی و غنای فرهنگی، به ایفای نقش خواهد پرداخت.

اما تحققِ عینی این آرمان بلند و رسیدن به قله‌های پیشرفت، پیش از هر چیز در گروی «عملکرد عزتمندانه و هوشمندانه‌ی دولت» است؛ دولتی که با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و پرهیز از انفعال، شأن و جایگاهِ ملت ایران را در هر گامی مدنظر قرار دهد.

باید به یاد داشت که این کنش‌گریِ عزتمندانه در عرصه‌ی بین‌الملل، ممکن نخواهد بود مگر با تأمین دو پیش‌شرطِ حیاتی و گسست‌ناپذیر: نخست «امنیتِ پایدار» و دوم «وحدت و انسجامِ آحاد جامعه». در واقع، اقتدار بیرونی دولت، میوه‌ی درختی است که ریشه‌های آن در خاکِ آرامش و همدلیِ ملی استوار شده است؛ تنها در سایه‌ی چنین هم‌گراییِ عمیقی است که می‌توان از این پیچ تاریخی با سرافرازی عبور کرد و به جایگاهِ شایسته‌ی تاریخی دست یافت.

«اگر امنیت و یا وحدت نباشد، اختلافات و جنجال باشد، دائماً تشنّج سیاسی باشد، اوّل کسی که ضربه می‌خورد، دولت است؛ چون نمی‌تواند وظایف خود را انجام دهد. وقتی دولت وظایف خود را انجام نداد، وضع مردم، وضع طبقات مستضعف، وضع جوانان، وضع کسانی که تشنه اقدامات دستگاه های مسؤول هستند، معلوم است که چگونه خواهد شد. من بر روی «وحدت ملی» تأکید بیشتری دارم؛ به خاطر این‌که امنیت هم ناشی از وحدت است. اگر وحدت نباشد، امنیت ملی هم به خطر می‌افتد و ایجاد ناامنی می‌شود». (۱۳۷۹/۰۷/۲۶)

در نهایت، می‌توان چنین نتیجه‌گرفت که «وحدت ملی» تنها یک شعار نیست، بلکه تبلور عینیِ توحید و اصلی‌ترین ضامنِ «امنیت ملی» و کارآمدیِ دولت است. در این برهه حساس، عبور سرافرازانه از این پیچ تاریخی و نقش‌آفرینی به عنوان قدرتی تمدن‌ساز در عرصه‌های جهانی، تنها در گرویِ انسجامِ درونی و عملکرد عزتمندانه‌ای است که ریشه در امنیت و همدلی آحاد جامعه دارد؛ چراکه با سرانگشتِ معجزآسای «اتحاد کلمه» و حضور مجاهدانه در میدان‌های فرهنگی و سیاسی، نه تنها گره‌های بزرگ گشوده می‌شوند، بلکه پیروزی همه‌جانبه بر جبهه ظالمان به واقعیتی قطعی مبدل خواهد شد.



رهبر معظّم انقلاب از تلاش مضاعف چه کسانی تشکر کردند؟

زهرا باقری

پژوهشگر دوره دهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

هر کسی که در اجتماع زندگی می‌کند حقوق و در مقابل آن مسئولیت‌هایی برعهده دارد که هر کدام از آن وظایف را در قالب نقش‌های مختلف و متنوع می‌تواند و گاهی ضروری است که ایفا کند. نقش‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، دینی، بین المللی، نمونه‌هایی از این نقش‌ها هستند. در یکی از فرازهای پیام نوروز سال ۱۴۰۵ هجری شمسی، رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران، به چند نقش مهم اشاره دارند، ایشان می‌فرمایند: "از کسانی که در کنار حضور در میادین و محلات و مساجد، با تلاش مضاعف، نقش اجتماعی خود را پر رنگ تر می‌نمایند، تشکر می‌کنم." برجسته‌ترین نکته‌ای که از این فراز می‌توان دریافت، اهمیت حضور در خیابان است، نکته ای که برخی از ابعاد و برکات آن بعد از گذشتِ یک ماه، بر همه واضح و مبرهن شده است. تداوم این حضور باعث ادامه سیاستِ پشیمان کردن متجاوز توسط نیروهای مسلح ایران اسلامی شده و روحیه همدلی و میهن پرستی را نیز در بین مردم ایران گسترش داده است؛ در کنار این موارد، حضور در خیابان‌ها، موجب بیداری ملت‌های نه فقط منطقه



یا مسلمانان جهان، بلکه همه جهان فارغ از هر نژاد، ملیت و اعتقادی شده است،
زیرا این ملت در حال ارائه پاسخ عملی به سؤال بزرگی هستند که سال‌ها جزو خط قرمزهای اصحاب رسانه و تریبون‌های روشنفکری بود. پاسخی دندان شکن به «هرگز نمی‌توان»! ملت ایران این روزها به همه جهان نشان می‌دهد که با ایمان به خداوند متعال، با تکیه بر توان داخلی و به پشتوانه همراهی مردم، «همیشه می‌توان» مقابل ظلم، تعدی، زورگویی و چپاول ایستاد.
بنابراین، نخستین نقش‌هایی که می‌توان از این پیام دریافت کرد، نقش دینی و سیاسی است. حضور مردم این روزها در خیابان، عمل به همان توصیه رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی (ره) است که فرمودند: "پشتیبان ولی فقیه باشید تا به مملکت آسیبی نرسد". این نقش هم در بین مردم خوب شناخته شده است و هم الحمدلله در ایفای آن، بر کسی شک و شبهه ای باقی نمانده است.

نقش اجتماعی پر رنگ‌تر، در گروی تلاش مضاعف

اما در این فراز از پیام نوروزی، معظم له به نقش دیگری هم اشاره دارند که شاید بتوان گفت در مقایسه با دیگر نقش‌ها، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ایشان با اشاره به «نقش اجتماعی» که این روزها مهم و اثرگذار است، از اصطلاح «تلاش مضاعف» برای ایفای نقش اجتماعی «پررنگ» استفاده کرده‌اند.
مردم سلحشور ایران با حضور در میدان‌ها هر شب، نقش دینی و سیاسی خود را ایفا می‌کنند، در ضمن آن برخی از مردم در فعالیت‌های خیرخواهانه و خداپسندانه مشارکت دارند و در حال اجرای نقش اجتماعی‌شان هم هستند، اما چه کسانی هستند که با تلاش مضاعف، در حال اجرای نقش اجتماعی پر رنگ تر هستند؟ ایشان در ادامه به عنوان بیان چند مصداق می‌فرمایند: "بعضی واحدهای تولیدی اعم از دولتی و خصوصی، بعضی اصناف خدماتی، افرادی که انواع خدمات مفید را بدون اینکه شغلشان اقتضاء کند، به‌طور رایگان به مردم ارائه می‌کنند."
اینجا چتر نقش اجتماعی نه فقط فردی یا جمعی، بلکه سازمانی، شرکتی، صنفی و به نوعی همه آحاد و اقشار جامعه، گسترده شده است. درواقع به زعم نویسنده مخاطب این بخش از پیام، همان افراد اثرگذاری هستند که سال‌ها قبل رهبر شهید انقلاب از آن‌ها نام برده است، کسانی که در بطن مردم هستند و نقش حلقه واسط بین مردم و دولت را برعهده دارند. «حلقه‌های میانی» که هر کدام از این اقداماتی که در حال انجام آن هستند، قطعاً فراتر از وظایف سازمانی و اگر در مقام هزینه خدمات درنظر بگیریم، ارزش ریالی هم دارد، اما به صورت رایگان در اختیار عامه مردم قرار داده اند.
این افراد، در نقاط مختلفی پراکنده شده و مشغول ایفای نقش خود هستند، آن‌ها را می‌توان در قالب سرگروه‌های گروه‌های جهادی دید که به ارائه خدمات در حوزه رسیدگی به امور افراد آسیب‌دیده از جنگ می‌پردازند. خدماتی مانند بازسازی منازل مسکونی، اسکان موقت آسیب‌دیدگان، هماهنگ کردن طبخ غذا و رساندن آن به دست آسیب‌دیدگان، رساندن تجهیزات و ابزارآلات به گروه‌های جهادی و یا در قالب حمایت از اشتغال و بازسازی کسب‌وکارهای آسیب‌دیده.
همچنین فعالیت‌های حلقه‌های میانی در ساماندهی به ارائه خدمات رایگان پزشکان، پرستاران و امدادگران به مصدومین و نیز گروه‌های روانشناسان و مشاوران که اکنون به صورت خودجوش در حال ارائه خدمات مشاوره به مردم اعم از آسیب‌دیده یا نگران از شرایط فعلی هستند، قابل مشاهده‌اند.
نمونه‌های دیگر این افراد در انجام فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی قابل مشاهده‌اند؛ کسانی که با ساماندهی گروهی از متخصصان در حال فعالیتی مضاعف بر نقش‌های سازمانی خود، این خدمات مفید و رایگان را ارائه می‌دهند و خوشا به سعادتشان که با ایفای نقش اجتماعی مفید و پر رنگ‌تر، مورد تقدیر رهبر معظّم انقلاب قرار گرفته‌اند.



نوروز ۱۴۰۵؛ منشورِ اقتدار، بهارِ بیداری

شمسعلی تابیده
پژوهشگر دوره دهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

«لَئِن شَكَرتُم لَأَزِيدَنَّكُم وَلَئِن كَفَرتُم إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»

با عرض تبریک سال جدید به همه ملت شریف و وطن دوست ایران و رزمندگان مدافع وطن عزیزمان امسال، سفره هفت‌سین ما بوی دیگری داشت. سبزه‌هایمان هنوز عطرِ اشک‌های اسفند ۱۴۰۴ را می‌دادند و آینه‌مان، تصویرِ مردانی را نشان می‌داد که در تشییعِ رهبر شهیدشان، تاریخ را از نو نوشتند. پیام نوروزیِ امسال، نه یک پیام معمولی، که «وصیت‌نامه‌ای زنده» برای نسلی بود که فهمید استقلال، قیمت دارد. پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب در طلیعه سال ۱۴۰۵، بیش از آنکه یک بیانیه تشریفاتی باشد، **«منشورِ اقتدار»** و **«نقشه راهِ عبور از بحران»** است. آنچه در این پیام بیش از هر چیز تلألؤ دارد، دو رکنِ اساسی است: «صداقت در روایت» و «امیدِ مبتنی بر برنامه». این یادداشت تحلیلی، نگاهی است به لایه‌های نهفته در این فرمایشات راهبردی در چهار محور کلیدی:

۱. روایت پیروزی در میانه طوفان (عبور از سال تلاطم) سالی که پشت سر گذاشتیم (۱۴۰۴)، عرصه آزمونی بزرگ بود. ما درگیر جنگی ترکیبی شدیم؛ از نبرد دوازده‌روزه و آشوب‌های داخلی گرفته تا جنگی نابرابر در میانه مذاکرات که به شهادت مظلومانه رهبر شهید و فرماندهان ارشد نظام و فرزندان این مرزوبوم (از نونهالان میناب تا دریادلان ناوشکن دنا) انجامید. اما نکته طلایی اینجاست: دشمن با «اشتباه محاسباتی»، گمان می‌برد با ترور و آشوب، پیوند ملت و حاکمیت گسسته می‌شود؛ اما «وحدتِ پولادین» دلاورمردان سپاه و ارتش و حضور بی‌سابقه مردم در صحنه، چنان گیجی استراتژیکی به دشمن تحمیل کرد که رویاهایشان به کابوسی ابدی تبدیل شد.



۲. اقتصاد؛ از گلایه‌های مردمی تا نسخه‌ی علاجشعار سال ۱۴۰۵، یعنی «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی»، نشان‌دهنده اشراف کامل لایه‌های مدیریتی نظام بر اولویت اول کشور است. نکته بسیار

ارزشمند در پیام، اشاره به شنیدن مستقیم گلایه‌های مردم حتی در فضای صمیمی و گمنامِ تاکسی‌های شهربود. این یعنی:الف)- صدای مردم شنیده شده و نقدها به رسمیت شناخته شده است.ب) - اقتصاد، خط مقدمِ جدید ماست و سفره مردم، رکنِ اصلی امنیت ملی محسوب می‌شود.ج) - هدف، «تولید ثروت برای عموم» و تدوین نسخه‌های کارشناسی برای پایان دادن به ضعف‌های مدیریتی است.

۳. دیپلماسی برادرانه و هوشیاری در برابر فریب پیام رهبری نشان‌دهنده بلوغِ سیاست خارجی و «دیپلماسی اسلامی» است. دعوت صمیمانه از کشورهای برادر، افغانستان و پاکستان برای صلح، نشان از دلسوزی ایران برای امت واحد دارد. همچنین افشای هوشمندانه حیله‌ی «پرچم دروغین» در ترکیه و عمان، پیامی صریح به فتنه گران منطقه بود؛ ایران اجازه نخواهد داد با عملیات‌های فریب، پیوند با همسایگان خدشه‌دار شود. ما ضمن نفی هرگونه دخالت در امور داخلی همسایگان، بر پاسخ قاطع به منافع قدرت‌های بیگانه در خلیج‌فارس، در صورت همکاری با دشمنان، تأکید داریم.

۴. ثبات نظام در انتقال قدرت آغاز پیام با تکریم مقام «**رهبر شهید**»، حامل یک پیام جهانی بود: نظام جمهوری اسلامی ایران، قائم به شخص نیست. انتقال قدرتِ قانونی و آرام، نشان‌دهنده «ثبات و پویایی» ساختاری است که حتی در سخت‌ترین شرایط، از ریل خود خارج نمی‌شود.

سخن‌پایانی

«...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...»

من معتقدم سال ۱۴۰۵، سالِ بهره‌برداری ازحضور در صحنه ها «صبر و استقامتِ فعالِ» ما چه در سال گذشته وسال پیش رو است. اگر مسئولین با همان «همت عالی» که وعده داده شد به میدان بیایند و ما مردم با «نشاطِ مسئولانه» همراهی کنیم، این نوروز، نقطه عطفِ تثبیتِ اقتدار و شکوفایی تمدنی ،نظم نوین جهانی ، همدلی و امنیت منطقه ای، رفع مشکلات اقتصادی ،اشتغال،مسکن، ومعیشت خواهد بود.

ان‌شاءالله.«اِنَ مَعَ العُسرِ یُسرا»



تلاش اجتماعی مردم در سایه وحدت ملی

علی تقی‌نژاد
پژوهشگر دوره هفتم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

یکی از سنت‌های شایسته‌ی انقلاب اسلامی، پیام‌های نوروزیِ رهبری معظّم است که معمولاً در انتها یا ابتدای سال شمسی، خطاب به ملت و مسئولان نظام جمهوری اسلامی صادر می‌شود. جدای از آنکه مقام رهبری در این پیام، یک تحلیل جامع و مختصری از گذشته‌ی یک‌سال را به ملت بازگو می‌کنند، مسیرِ پیشِ رو و سیاست‌های کلیِ سالِ آینده را نیز گوشزد می‌نمایند و توقّع از همگان (عوام و خواص) این است که ذیل آن، به سمت قلّه‌ی پیشرفت و آزادی و عدالت، حرکت نمایند.

تشکر از تلاش‌های اجتماعی مردم

یکی از مواردی که در پیام نوروزی رهبری معظّم مشهود است، «قدردانی از تلاش اجتماعی مردم» است. این که رهبری معظّم، صحنه‌ی نبردِ حق با باطل را درنظر دارند و با دقّت، نسبت به آن موضع می‌گیرند و شکرِ این همبستگیِ ملی را به‌جا می‌آورند، نشان از درایت ایشان و هدایتِ جامعه به جهتِ صحیح اسلامی است.

مبنای فکری تلاش اجتماعی مردم

یکی از پشتوانه‌های فکری مردم در زمینه‌ی اقدامات اجتماعیِ به‌روز و بدون فوت وقت، اعتقاد به نهادِ «ولایت فقیه» و اجرای اوامر و نواهی اوست. فرامین رهبری در نظام، جزء اسنادِ بالادستیِ حکمرانی جمهوری اسلامی تلقی می‌گردد. دومین مبنا، ناشی از «فهمِ مشترکِ ملّت از دشمنِ واحد و مکّار»، یعنی آمریکای جنایتکار و سگِ هارِ منطقه است. البته که برای این فهم، هزینه‌های زیادی پرداخت شد و قطعاً خون بابرکتِ رهبرمان «خامنه‌ای شهید»، توانست جمع کثیری از ملت را به یاری یکدیگر در مقابله با دشمن، همراه سازد. سومین مبنا، «اتحاد مقدس» حول محور ایران عزیز است؛ همان که چندین‌بار، رهبرِ شهیدمان توصیه می‌کردند.

رمز استمرارِ تلاش‌های جمعی مردم

هر کسی در زندگی فردی و اجتماعی خود، یک‌سری حقوق و وظایفی برعهده دارد که باید با درنظرگرفتنِ مصلحت، بر انجام آنها همت گمارد. تلاش مردمی باید در راستای هم‌افزایی و انسجام بیشتر صورت پذیرد. استمرارِ تلاش‌های جمعیِ مردمی، بستگی به تاب‌آوریِ آنها در این شرایط حسّاس و پیچ تاریخیِ عجیب دارد. هر دفعه که حملات دشمن، بیشتر و سخت‌تر بشود، ممکن است برخی از افراد، احساسِ خستگی و افسردگی داشته باشند؛ تا جایی‌که شاید زبان به گله و شکایت به نیروهای خودی باز کنند و دیگران را نیز دلسرد و پشیمان از استقامت و ایستادگی در مقابل دشمن نمایند! اینجا دقیقاً یکی از بزنگاه‌های تاریخ است که نباید گذاشت مورد سوء استفاده‌ی منافقان و دشمنان داخلی قرار بگیرد و صحنه‌ی نبرد را به دست بگیرند و از پشت به مردم ما خنجر بزنند.

سخن آخر اینکه:

مردم انقلابی و مسئولان نظام باید با اقدامات دقیق، شفاف و برنامه‌ریزی‌شده، مانع از بروز ناامیدی در بین مردم باشند. البته این بستگی به فهم و بصیرت و مجاهدتِ مستمر و شبانه‌روزی دارد و بدون آن، توصیه به صبر و ایستادگی، کمی مشکل به نظر می‌رسد. به هر حال، ما این مسیر را باید تا آخر حفظ کنیم و نگذاریم انقلاب اسلامیِ خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید، به چنگِ دشمنان ما بیفتد.

جایگاه مردم؛ در تحقق شعار اقتصاد مقاومتی در سایه سار وحدت ملی و امنیت ملی

مهدی سورمه
پژوهشگر دوره نهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام سید مجتبی خامنه ای(حفظه الله تعالی)، با تأسی به سیره راهبردی رهبر عظیم الشأن شهید، شعار امسال را به «اقتصاد مقاومتی در سایه‌سار وحدت ملی و امنیت ملی» اعلام فرمودند. برای تحقق و عملی سازی شعار سال نو شمسی، لازم است که مردم به میدان آورده شوند. مردم، رکن رکین و ستون فقرات نظام اسلامی در ساختار کلی حکومت اسلامی، به عنوان یکی از اضلاع ممتاز شکل‌گیری، پیروزی، تداوم، موفقیت ها و دستاوردهای کسب شده از آغاز نهضت اسلامی در کنار خداوند متعال و رهبری امام خمینی(ره) و در دوران رهبری قائد شهید امت حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای(قدس سره) و اکنون در دوران رهبری خلف صالح ایشان، همواره به نقش آفرینی



مثبت مبادرت کرده اند.
مردم از آغاز مبارزات اسلامی بر علیه رژیم وابسته و دیکتاتوری پهلوی در سال ۱۳۴۲ و در بزنگاه های حساس بعد از پیروزی، هم چون دوران دفاع مقدس هشت ساله، انتخابات و مشارکت سیاسی، غائله کوی دانشگاه در سال ۷۸ و فتنه ۸۸، مواسات و همدلی، عرصه امنیتی در برابر تروریست های وابسته به آمریکا و رژیم صهیونیستی دی ماه ۱۴۰۴ و رویدادهای تاریخی و ماندگار پس از آن، و جنگ تحمیلی سوم به نقش آفرینی و حمایت تمام قد از نظام جمهوری اسلامی ایران به میدان جهاد و مبارزه مشاهده کرد.
چنین نظامی که برآمده از اسلام و فقه پویای شیعی، مردم به مثابه «**موتور محرک و ضامن بقای نظام**» دارای صاحب حق بوده و در عرصه‌های مختلف اداره امور کشور، مشارکت فعال داشته و صاحبان اصلی مملکت محسوب می شوند.
از جلوه های تجلی حضور و مشارکت مردم را می توان به نقش آفرینی در تحقق اقتصاد مقاومتی، وحدت ملی و امنیت ملی اشاره کرد.
جمهوری اسلامی ایران، برخلاف نظام های سیاسی در نظام بین الملل وابسته به دیگران نیست، بلکه به مردم خود اتکاء دارد و برای پیش بردن اهداف، برنامه ها و سیاست های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی به انسجام و وحدت ملی متکی است.
یکی از مفاهیم سه گانه شعار ۱۴۰۵، اقتصاد مقاومتی است.
آحاد مردم، پایه اصلی این مفهوم هستند، مردم در گرو حمایت از تولید داخلی و مصرف کالای ایرانی، هدایت سرمایه های خُرد خود به چرخه تولید، نهادینه سازی قناعت و مدیریت مصرف باعث استقلال اقتصادی، خودکفایی، افزایش صادرات می توانند به ایجاد درآمد پایدار، اشتغال زایی و رفع بیکاری به تحقق «جهاد اقتصادی» اقدام کنند.
یکی دیگر از میدان های تحقق شعار سال نو، وحدت و انسجام ملی است. وحدت به معنای امری تاکتیکی و راهبردی نیست، بلکه یک اصل قرآنی و عقلی ست.
دشمن برای رسیدن به آمال و آرزوهای نامشروع، پلید و شیطانی خود برای سلطه و به یغما بردن سرمایه های مادی و انسانی چشم طمع به از بین بردن وحدت، اتحاد و انسجام ملی دارد.
در این راستا، مردم و به ویژه نخبگان وظیفه دارند که از «اختلاف و تنازع» پرهیز کنند و روی مشترکات تمرکز نمایند و به فکر ایجاد و تحقق «اتحاد مقدس» باشند. تا از این رهگذر به شکست دشمنان، رسیدن به افق های روشن، «فتح خرمشهرهای پیش رو» و تمدن نوین اسلامی نایل گشت.
امنیّت ملی، از دیگر گزاره‌های خط مشی ترسیم شده از سوی رهبر معظم انقلاب امام سید مجتبی خامنه ای(دامت برکاته)، در اولین پیام نوروزی خویش خطاب به ملت ایران در حوزه امنیّت و نقش مردم با دو کلید واژه «شما مردم خطّ دفاعی گسترده ای به وسعت کشور » و «سنگری به وسعت محله ها در برابر توهم تجزیه کشور» را توصیف و تأکید فرمودند.
جایگاه مشارکت و حضور مردم در حوزه امنیّت بی بدیل است، هوشیاری مردم در شناسایی عناصر وطن فروش و خائن، خاموش کردن فتنه ها و تحرکات دشمن و در برابر تهدیدات خارجی به عنوان لایه اول پدافندی به عنوان بزرگترین ابراز بازدارندگی عمل می نمایند.
امنیت در ایران با وجود حضور میلیونی مردم، بومی و مردم پایه است. از معجزه های انقلاب و شاهکارهای ممتاز رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران، استفاده از ظرفیت ها و به میدان آوردن مردم به صحنه است.
جمع بندی
در مرکز مثلث (اقتصاد مقاومتی و وحدت ملی و امنیت ملی)، عنصر بی بدیل «مردم» قرار دارد. نشان می دهد برای تحقق شعار ۱۴۰۵، مستلزم حضور آگاهانه، متعهدانه و مجاهدانه مردم در صحنه است؛ چرا که تجربه ۴۷ ساله از بدو پیروزی انقلاب اسلامی به وضوح نشان می دهد که هر جا مردم و اراده مردمی به میدان بیاید؛ این حضور، درهای فضل و توفیق الهی را می گشاید.

وفای ملت؛ از صحنه تا کربلا

ملیحه ضیائی
پژوهشگر دوره نهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

در میان **کلمات نوروزی رهبر انقلاب**، دعایی برای «کَرَم و حِلم و لطف عمیم» خداوند، دل را می‌لرزاند؛ دعایی که ریشه در شناخت عمیق ایشان از روح مردمی دارد که همواره با «حضور وظیفه‌شناسانه» خود، کارها را پیش برده‌اند. این حضور، یک رفتار معمولی نیست؛ بلکه بازتابی از فرهنگ عاشورایی و ادامه‌ی راه یاران اباعبدالله (ع) است.

درس وفاداری را ما ایرانی‌ها در مکتب حسین و زینب (س) فرا گرفته‌ایم. یادمان هست در روزهای داغ انقلاب، وقتی بوی باروت و فریادهای «**الله‌اکبر**» فضا را پر کرده بود، مردم چگونه با دست‌های خالی اما قلب‌هایی پر از ایمان به میدان آمدند. آنان در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، مانند یاران باوفای امام حسین (ع) که در شب عاشورا با تمام وجود حاضر شدند، در بهار آزادی از جان گذشتند تا ساختار سیاسی جهان را تغییر دهند. آن حضور عظیم، پاسخی به ندای حق بود و نشان داد که ما فرزندان واقعی کربلا هستیم.



پس از پیروزی، این مسئولیت‌پذیری در «**دفاع مقدس**» معنایی والاتر یافت. زمانی که تانک‌های دشمن به مرزها هجوم آوردند، باز هم این ملت بود که لباس رزم پوشید و یکصدا فریاد زد: «ما پشت سر توایم امام». رزمندگان در جبهه‌های نبرد، با الهام از فرهنگ عاشورا، حضور خود را نه یک اجبار، بلکه یک افتخار می‌دانستند. آنان در سخت‌ترین شرایط، با توکل بر خدا و از خودگذشتگی، از کیان این مرز و بوم دفاع کردند و ثابت کردند که وظیفه‌شناسی، ضامن بقای نظام و امنیت کشور است.

در این میان، نقش زنان ایرانی نمادی درخشان از «شور و شعور زینبی» است. بانوان ما در دفاع مقدس و حمایت از نظام، تنها به نقش های سنتی محدود نشدند؛ بلکه مانند حضرت زینب (س) که پس از واقعه کربلا، اسیر بود وتنها اما محکم، استوار و پابرجا، پرچم هدایت کاروان را به دست گرفت،

و چهره ی قوم ظالمین را برای مردم افشا کرد زنان ایرانی نیز در میدان‌های مختلف حضور یافتند. از پشتیبانی لجستیکی و تدارکاتی در پشت جبهه‌ها گرفته تا درمان مجروحان و تقدیم فرزندان، همگی نشان‌دهنده درک عمیق آنان از وظیفه شرعی و ملی بود. حضور آنان آمیخته با معنویت بود که توازن میان احساسات پاک (شور) و درک صحیح از مسائل (شعور) را به نمایش گذاشت.

در این مسیر پرفراز و نشیب، قهرمانان دیگری نیز در صحنه‌های علمی و دفاعی درخشیدند؛ مجاهدان فی‌سبیل‌الله که دشمن را تا بن‌دندان مسلح دیدند، با دست خالی از جان گذشتند و از خاک ایران دفاع کردند و پس از جنگ، با تکیه بر استعدادهای درونی و توکل بر خدا، در سایه سکوت، شب‌بیداری و تلاش، ایران را به قدرتی موشکی و خودکفایی رساندند تا هیچ‌کس جرأت نگاه طمع‌آمیز به این مرز و بوم نداشته باشد. امروز نیز این فرزندان غیور ملت، پای لانچرهای موشکی همانند یاران باوفای حسین (ع) در شب عاشورا حاضر می‌شوند و با گذشت از آسایش و زندگی دنیوی، امنیت و اقتدار کشور را تضمین می‌کنند تا ناموس و استقلال ایران اسلامی در امان بماند.

رهبر انقلاب در پیام نوروزی‌شان به درستی به این «خلق حماسه» و حضورهای شبانه‌روزی اشاره کردند. حضورهایی که نه از سر اجبار، بلکه از سر عشق به ولایت و برگرفته از سیره عملی یاران امام حسین (ع) بود که در سخت‌ترین شرایط، امام خود را تنها نگذاشتند.

امروز هم در گام دوم انقلاب و در برابر توطئه‌های دشمن، این ملت با همان روحیه حاضر است. امیدواریم حق‌تعالی به برکت همین وفاداری‌ها و حضورهای خالصانه، با کرم و عفو بی‌پایان خود، همیشه بر این ملت منت بگذارد و سایه‌ی رهبری و انقلاب را مستدام بدارد.



مسیر تبدیل جامعه به تمدن
از همبستگی اجتماعی تا تربیت تمدنی

شهاب الدین عالمی
پژوهشگر دوره چهارم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

نوروز در سنت ایرانی تنها آغاز یک سال تازه نیست؛ لحظه‌ای است برای تأمل در مسیر طی‌شده و اندیشیدن به افق پیشِ رو. پیام نوروزی حضرت آیت الله حسینی خامنه ای (حفظ الله) نیز در چنین جایگاهی قرار می‌گیرد: نوعی بازخوانی تجربه‌های یک ملت و ترسیم مختصات حرکت آینده. پیام نوروزی ۱۴۰۵ از این منظر واجد اهمیتی مضاعف است، زیرا در لابه‌لای عبارات آن می‌توان صورت‌بندی نسبتاً روشنی از مسیر پیشرفت کشور را در کشاکش جنگی تحمیلی مشاهده کرد؛ صورت‌بندی‌ای که بر سه مفهوم به‌هم‌پیوسته استوار است: وحدت ملی، امنیت ملی و اقتصاد مقاومتی.

این سه مفهوم در کنار یکدیگر صرفاً مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاسی نیستند. در عمق این بیان، نوعی منطق اجتماعی نهفته است؛ منطقی که نشان می‌دهد یک جامعه چگونه می‌تواند از دل تجربه‌های تاریخی خود، ظرفیت‌های تمدنی‌اش را فعال کند.

وحدت ملی؛ سرمایه پنهان جامعه

هر حرکت بزرگ تاریخی از جایی آغاز می‌شود که یک ملت خود را به عنوان یک «کل» بازمی‌شناسد. جامعه‌ای که افراد آن احساس کنند سرنوشت مشترکی دارند، توان آن را خواهد داشت که دشواری‌ها را تاب بیاورد. اشاره به این حقیقت، جایی که از حضور و همراهی مردم در عرصه‌های مختلف به عنوان پشتوانه حرکت کشور یاد می‌شود



و جامعه ایرانی به عنوان ملتی معرفی می‌گردد که در برابر فشارها توانسته است ایستادگی کند.

این تصویر در واقع بیانگر یک واقعیت مهم اجتماعی است: قدرت واقعی یک ملت در همبستگی درونی آن نهفته است. تاریخ نشان داده است که بسیاری از جوامع نه به سبب ضعف اقتصادی یا نظامی، بلکه به دلیل فروپاشی پیوندهای اجتماعی از مسیر پیشرفت بازمانده‌اند. از همین رو تأکید بر وحدت ملی در چنین پیامی، صرفاً دعوتی اخلاقی نیست؛ بلکه یادآوری یک ضرورت تاریخی است. جامعه‌ای که بتواند اختلاف‌های طبیعی خود را در چارچوب یک افق مشترک مدیریت کند، از پراکندگی به انسجام می‌رسد و از مجموعه‌ای از افراد به یک «اراده جمعی» تبدیل می‌شود.

در چنین وضعیتی، هر موفقیت ملی به تجربه‌ای مشترک بدل می‌شود و هر چالش نیز به مسئله‌ای که همه خود را در حل آن سهیم می‌دانند. این همان وضعیتی است که در آن ملت به تدریج به یک پیکره زنده تاریخی تمدنی تبدیل می‌شود؛ پیکره‌ای که قادر است در برابر طوفان‌های سیاسی و اقتصادی پایدار بماند.

امنیت ملی؛ آرامشی برای ساختن

جامعه‌ای که از انسجام درونی برخوردار باشد، به تدریج قادر خواهد بود ثبات خود را نیز حفظ کند. در این پیام از امنیت کشور به عنوان نعمتی بزرگ یاد می‌شود و مجاهدت نیروهای مسلح برای حفظ این امنیت مورد تقدیر قرار می‌گیرد؛ امنیتی که در منطقه‌ای پرآشوب، امکان زندگی آرام و فعالیت اقتصادی و اجتماعی را فراهم کرده که تنها به حفاظت از مرزها محدود نشده و در واقع فضای اطمینانی است که در آن یک جامعه می‌تواند آینده خود را طراحی کند. وقتی مردم احساس کنند کشور از ثبات برخوردار است، سرمایه‌گذاری می‌کنند، تولید شکل می‌گیرد و امید اجتماعی افزایش می‌یابد.

امنیت ملی در چنین چارچوبی صرفاً حاصل قدرت نظامی نیست. امنیت پایدار زمانی شکل می‌گیرد که میان مردم و ساختارهای دفاعی کشور نوعی پیوند عمیق بسان حضور هر روزه مردم سربلند ایران در میادین اصلی هر روزه جنگ تحمیلی رمضان برقرا باشد. جامعه‌ای که خود را شریک امنیت کشور بداند، در واقع بزرگ‌ترین پشتوانه نیروهای دفاعی آن خواهد بود.

امنیت ملی در منظومه فکری انقلاب اسلامی نه یک مسئله جداگانه، بلکه حلقه‌ای است که انسجام اجتماعی را به امکان پیشرفت اقتصادی پیوند می‌دهد. جامعه‌ای که از امنیت برخوردار باشد، می‌تواند به جای مصرف انرژی در بحران‌های مداوم، توان خود را صرف ساختن آینده کند.

اقتصاد مقاومتی؛ عرصه ظهور اراده ملی

اگر وحدت ملی روح جامعه باشد و امنیت ملی حصار آن، اقتصاد عرصه‌ای است که در آن توانایی‌های یک ملت به شکل عینی ظاهر می‌شود. در پیام نوروزی بر ضرورت تقویت اقتصاد کشور و تلاش برای حل مشکلات معیشتی مردم تأکید شده و مسیر پیشرفت اقتصادی در گرو فعال‌سازی ظرفیت‌های داخلی دانسته می‌شود.

در این نگاه، اقتصاد مقاومتی صرفاً یک راهبرد اقتصادی نیست؛ بلکه نوعی نگاه به توانایی‌های جامعه است. جامعه‌ای که سرمایه انسانی، منابع طبیعی و ظرفیت‌های علمی خود را به کار گیرد، به تدریج از وابستگی فاصله می‌گیرد و به اقتصادی پویا دست پیدا مکرده، نوعی اعتماد به نیروی خلاق جامعه وجود دارد. کارگر، کارآفرین، پژوهشگر و مدیر اقتصادی همگی در این میدان نقش دارند. اقتصاد مقاومتی در واقع میدانی است که در آن تلاش فردی به نتیجه‌ای ملی تبدیل می‌شود.

وحدت، امنیت و اقتصاد؛ مراحل یک تربیت تمدنی

اگر این سه مفهوم در کنار یکدیگر قرار داده شوند، نوعی نظم درونی در میان آنها آشکار می‌شود. این نظم شبیه به مراحلی از یک فرآیند تربیتی است؛ گویی جامعه در حال آموختن قواعد زیستن در مقیاس یک تمدن است.

مرحله نخست یادگیری همبستگی است. جامعه باید بیاموزد چگونه اختلاف‌های خود را مدیریت کند و حول ارزش‌ها و اهداف مشترک گرد آید. این همان مرحله‌ای است که وحدت ملی در آن معنا پیدا می‌کند. در این مرحله جامعه از پراکندگی عبور می‌کند و به سطحی از انسجام می‌رسد که بتواند به عنوان یک کل عمل کند.

مرحله دوم یادگیری ثبات و حفاظت از دستاوردها است. جامعه‌ای که به انسجام رسیده است باید بتواند امنیت خود را حفظ کند. امنیت در اینجا تنها دفاع از مرزها نیست؛ بلکه حفظ آرامشی است که امکان برنامه‌ریزی و پیشرفت را فراهم می‌کند. جامعه‌ای که امنیت دارد، می‌تواند نگاه خود را از اضطراب‌های کوتاه‌مدت به افق‌های بلندمدت معطوف کند.

مرحله سوم یادگیری ساختن است؛ جایی که جامعه از ظرفیت‌های انسانی و مادی خود برای ایجاد پیشرفت استفاده می‌کند. اقتصاد مقاومتی در این مرحله معنا پیدا می‌کند. اینجا دیگر مسئله صرفاً مقاومت در برابر فشارها نیست، بلکه تبدیل مقاومت به سازندگی است.

در این مسیر، جامعه از حالت واکنشی خارج می‌شود و به جامعه‌ای کنشگر تبدیل می‌گردد. ملت دیگر تنها در برابر تهدیدها ایستادگی نمی‌کند، بلکه خود دست به ساختن می‌زند. این همان نقطه‌ای است که در آن یک جامعه به تدریج وارد مرحله‌ای تازه از تاریخ خود می‌شود.

چنین فرآیندی را می‌توان نوعی تربیت تمدنی نامید؛ تربیتی که در آن یک ملت گام‌به‌گام می‌آموزد چگونه از دل بحران‌ها عبور کند و توانایی‌های خود را در مسیر پیشرفت به کار گیرد.

افق آینده؛ ملت به مثابه یک پروژه تاریخی

با تحقق این سه گانه، آینده در افقی متفاوت دیده می‌شود. دیگر چیزی نیست که از بیرون به یک ملت داده شود؛ آینده محصول اراده و تلاش همان جامعه است. ملت ایران در چنین افقی صرفاً یک جمعیت در یک جغرافیا نیست؛ بلکه یک تجربه تاریخی در حال شکل‌گیری است. تجربه‌ای که در آن نسل‌های مختلف با تلاش‌های خود قطعه‌ای از آینده را می‌سازند. نوروز در چنین نگاهی معنای عمیق‌تری پیدا می‌کند. نوروز یادآور این حقیقت است که زمان همچنان در جریان است و فرصت ساختن همچنان باقی است. هر سال تازه در واقع فرصتی است برای آنکه جامعه یک گام دیگر در مسیر بلوغ تاریخی خود و رسیده به تمدن نوین اسلامی بردارد.

اگر وحدت اجتماعی حفظ شود، امنیت ملی استمرار یابد و اقتصاد ملی بر پایه توانایی‌های درونی تقویت گردد، آنچه در افق پدیدار می‌شود صرفاً حل چند مسئله اقتصادی یا سیاسی نخواهد بود. آنچه در افق ظاهر می‌شود امکان شکل‌گیری تجربه‌ای بزرگ‌تر است: حرکت یک ملت از مرحله مقاومت به مرحله ساختن تمدن نوین اسلامی.



سنگرهای نورانی؛ رمز پیروزی در جنگ ترکیبی

محمود عرب اسماعیلی
پژوهشگر دوره دهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی در آغاز سال ۱۴۰۵، نقشه راهی دقیق برای عبور از پیچ‌های تاریخی و تهدیدات پیچیده دشمن بود. ایشان در این پیام با مروری بر سه جنگ تحمیلی سال گذشته (جنگ خرداد-جنگ ۱۲ روزه-، کودتای دی‌ماه و جنگ سوم که منجر به شهادت رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی شد)، تصویری روشن از قدرت مردمی ارائه دادند. اما در میان این تحلیل‌ها، جمله‌ای نورانی و راهبردی همچون خوشه‌ای از حکمت می‌درخشد که باید به عنوان محور اصلی تحلیل‌های رسانه‌ای قرار گیرد: « خط دفاعی گسترده‌ای به وسعت کشور و سنگرهائی مستحکم به تعداد میادین و محلات و مساجد آن فراهم کردید »

تغییر معادلات جنگ از صحنه نبرد تا خیابان

این جمله حکیمانه و تکرار سه مفهوم " میادین و محلات و مساجد» در پیام معظم له ، تفسیری نوین از مفهوم امنیت و دفاع را در بر دارد. دشمن که با توهمات محاسباتی، خود را درگیر جنگی نرم و سخت کرده بود، گمان می‌کرد با حذف سران نظام و ترور شخصیت‌ها و فرماندهان، می‌تواند اراده ملت را بشکند. اما واقعیتی که در ماه مبارک رمضان و در میانه این جنگ ترکیبی آشکار شد، این بود که ملت ایران، دفاع از کشور و انقلاب را محدود به پادگان‌ها و مرزها نکرده است.

وقتی رهبر معظم انقلاب از «سنگرهای مستحکم به تعداد مساجد و میادین و محلات» سخن می‌گویند، به یک واقعیت انکارناپذیر اشاره دارند: در ایران اسلامی، هر مسجد که پایگاه بصیرت است، هر محله که کانون همبستگی است و هر میدانی که مظهر حضور مردم است، یک خط مقدم دفاع از ارزش‌ها محسوب می‌شود. این حضور گسترده، ضربه‌ای گیج‌کننده به دشمن وارد آورد تا جایی که ایشان فرمودند دشمن به «گفتن کلمات متناقض و یاوه‌گوئی‌های متعددی» افتاد که علامت عدم هوشیاری و ضعف ادراکی اوست.

وحدت؛ پشتوانه سنگرهای مقاومت

نکته حائز اهمیت در این استراتژی دفاعی، عنصر وحدت است. رهبر معظم انقلاب در ادامه پیام خود به این انسجام عجیب میان مردم با همه تفاوت‌های خاستگاه مذهبی، فکری و فرهنگی اشاره فرمودند و آن را نعمتی خاص از ناحیه حضرت حق دانستند. این وحدت پولادین است که باعث می‌شود سنگرهای مساجد و میادین، در برابر توطئه‌های دشمن نفوذناپذیر باشند.

دشمن که از حرکت مردمی چشمگیر ناامید شده بود، تلاش کرد با ترور و ایجاد رعب، مردم را به عقب براند، اما مردم با صیام همراه با جهاد نشان دادند که خط مقدم ایران، خیلی بزرگتر از ذهنیت حقیر و کوچک دشمن است. حضور مسئولین در کنار مردم و بی‌آلایش بودن آن‌ها در

مراسم‌ها، نیز این انسجام را تقویت کرد و نشان داد که فاصله‌ای بین ملت و حکمرانان در این خط دفاعی وجود ندارد.

رسانه؛نگهبان سنگرهای وحدت

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بخش دیگری از پیام، با هوشمندی خاصی به نقش رسانه‌ها در این جنگ اشاره کردند و توصیه کردند که از پرداختن به نقاط ضعف به طور جدی خودداری کنند. این توصیه در واقع تکلیفی است برای حفظ این خط دفاعی گسترده. رسانه‌ها باید بدانند که بزرگنمایی نقاط ضعف، آب به آسیاب دشمنی می‌ریزد که قصد خدشه در وحدت ملی و امنیت ملی را دارد.

نتیجه گیری

پیام نوروزی امسال، پیامی امیدبخش و در عین حال هشداردهنده بود. هشدار به دشمنان که بدانند با ملت دارای چنین سنگرهای مستحکمی کاری از پیش نخواهند برد، و امید به مردم که این نعمت وحدت و امنیت را پاس بدارند. همان‌طور که رهبر فرمودند، شکر این نعمت، حفظ و تقویت این انسجام است تا دشمنان خوار و خفیف‌تر شوند. ما در سال ۱۴۰۵ نیز با تکیه بر همین سنگرهای نورانی، مسیر پیشرفت و اقتدار را با شعار «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» ادامه خواهیم داد.



اقتصاد مقاومتی به‌مثابه دالّ مرکزی: بازآرایی گفتمان امنیت ملی در پیام نوروزی ۱۴۰۵

حجت حاجی محمدی یزدی
پژوهشگر دوره نهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

در بزنگاه‌هایی که نظم‌های تثبیت‌شده دچار اختلال می‌شوند، آنچه بیش از هر چیز تعیین‌کننده مسیر آینده است، نه صرفاً قدرت سخت، بلکه «توانایی تولید معنا» و «بازآرایی گفتمان مسلط» است. پیام نوروزی ۱۴۰۵ را باید دقیقاً در چنین افقی خوانش کرد؛ نه به‌عنوان یک متن مناسبتی، بلکه به‌مثابه یک «مداخله گفتمانی» در میدان پیچیده جنگ ترکیبی.

این پیام، در بستری صادر می‌شود که جامعه ایرانی تجربه‌ای فشرده از «چندلایگی تهدید» را از سر گذرانده است؛ از جنگ‌های نظامی و امنیتی تا فشارهای اقتصادی و عملیات‌های رسانه‌ای گسترده. در چنین شرایطی، متن پیام را می‌توان تلاشی آگاهانه برای «بازمفصل‌بندی نظم معنایی» و تثبیت یک هژمونی جدید در سطح ادراک عمومی دانست.

۱. اقتصاد مقاومتی به‌مثابه «دالّ مرکزی»

در چارچوب نظریه گفتمان لاکلا و موف، هر گفتمان حول یک «دالّ مرکزی» سازمان می‌یابد؛ دالی که سایر مفاهیم را حول خود مفصل‌بندی کرده و به آنها معنا می‌بخشد. در پیام نوروزی ۱۴۰۵، «اقتصاد مقاومتی» دقیقاً در چنین جایگاهی قرار می‌گیرد.

این مفهوم، دیگر صرفاً یک سیاست اقتصادی نیست؛ بلکه به یک «ابرنشانه» تبدیل می‌شود که مفاهیمی چون: امنیت ملی، وحدت ملی، معیشت، عدالت و حتی بازدارندگی را در یک زنجیره هم‌ارزی به هم پیوند می‌دهد.

تحلیل‌های اخیر نیز نشان می‌دهد که این سه‌گانه (اقتصاد، امنیت، وحدت) به‌عنوان یک «مثلث راهبردی» تعریف شده که بقای سیستم به تعامل متقابل آنها وابسته است.

در این چارچوب، اقتصاد دیگر «حوزه‌ای مستقل» نیست، بلکه به «خط مقدم جدید» تبدیل می‌شود؛ تغییری که نشان‌دهنده جابه‌جایی کانون تقابل از میدان نظامی به میدان اقتصادی است.

۲. از امنیت سخت تا امنیت ادراکی: چرخش در پارادایم امنیت

یکی از مهم‌ترین دلالت‌های این پیام، بازتعریف مفهوم امنیت ملی است. برخلاف قرائت کلاسیک که امنیت را عمدتاً در سطح نظامی تعریف می‌کرد، اینجا با یک درک چندبعدی مواجهیم که امنیت را شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی روانی می‌داند.

این تغییر، کاملاً با ادبیات «امنیت نرم» و «امنیت انسانی» هم‌راستاست؛ جایی که ثبات اقتصادی، انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی، به‌عنوان زیرساخت‌های امنیتی تعریف می شو ند .

در این چارچوب، «اقتصاد مقاومتی» نه یک ابزار توسعه، بلکه یک «سازوکار امنیت‌ساز» است؛ به این معنا که: بهبود معیشت موجب افزایش رضایت اجتماعی، افزایش رضایت موجب تقویت سرمایه اجتماعی و درنهایت سرمایه اجتماعی موجب ارتقای تاب‌آوری ملی و این همان نقطه‌ای است که

اقتصاد به امنیت تبدیل می‌شود.

۳. پیام نوروزی به‌مثابه کنش در جنگ شناختی

اگر میدان امروز را میدان «جنگ روایت‌ها» بدانیم، پیام نوروزی ۱۴۰۵ را باید یک «کنش فعال در جنگ شناختی» تلقی کرد.

در این جنگ، هدف اصلی نه تخریب زیرساخت‌ها، بلکه «دستکاری ادراک» است؛ یعنی: برجسته‌سازی ضعف‌ها، تعمیق شکاف‌های اجتماعی و ایجاد ناامیدی سیستماتیک.

در همین راستا، تأکید پیام بر «عملیات رسانه‌ای دشمن» و پرهیز از بازتولید نقاط ضعف، را می‌توان در چارچوب «دفاع پیش‌دستانه شناختی» تحلیل کرد؛ جایی که کنترل روایت، به‌مثابه یک ابزار بازدارندگی عمل می‌کند.

در واقع، پیام نوروزی تلاش می‌کند با: بازتعریف واقعیت، بازسازی امید و برجسته‌سازی انسجام، «میدان ادراک» را به نفع خود بازآرایی کند.

۴. مهندسی ادراک و حکمرانی رسانه‌ای

از منظر مدیریت رسانه، این پیام را می‌توان نمونه‌ای از «حکمرانی ارتباطی» دانست؛ جایی که سیاست‌گذاری نه صرفاً از طریق تصمیمات اجرایی، بلکه از طریق «طراحی چارچوب‌های ادراکی» صورت می‌گیرد.

چند مؤلفه کلیدی در این مهندسی پیام قابل توجه است:

روایت‌سازی از بحران: بحران نه به‌عنوان وضعیت فروپاشی، بلکه به‌عنوان «موقعیت ایستادگی» بازنمایی می‌شود.

مردم‌پایه‌سازی حکمرانی: اشاره به تجربه زیسته مردم (حتی در قالب مشاهده میدانی) نشان‌دهنده گذار از مدل‌های بوروکراتیک به «حکمرانی مبتنی بر ادراک اجتماعی» است.

تلفیق زمان مقدس و ملی: همزمانی رمضان و نوروز، به‌عنوان یک «قاب معنایی» برای پیوند معنویت و زیست اجتماعی به کار گرفته می‌شود.

بازتعریف نقش مردم: مردم از «مخاطب» به «کنشگر امنیت» ارتقا می‌یابند؛ تغییری که در ادبیات حکمرانی، نشانه بلوغ سیستم است.

۵. بازآرایی هژمونی: از دولت‌محوری به جامعه‌محوری

در نهایت، پیام نوروزی ۱۴۰۵ را می‌توان تلاشی برای «بازسازی هژمونی» دانست؛ هژمونی‌ای که دیگر صرفاً بر قدرت سیاسی یا نظامی تکیه ندارد، بلکه بر: سرمایه اجتماعی، انسجام هویتی و تاب‌آوری اقتصادی استوار است.

در این چارچوب، «وحدت ملی» نه یک شعار، بلکه یک «منبع قدرت» تعریف می‌شود؛ و اقتصاد مقاومتی، ابزار تبدیل این منبع به «قدرت عملیاتی».

جمع‌بندی: اقتصاد به‌مثابه میدان جدید قدرت

پیام نوروزی ۱۴۰۵ را باید نشانه‌ای از یک «چرخش پارادایمی» دانست:

- از جنگ نظامی به جنگ اقتصادی
- از امنیت سخت به امنیت ادراکی
- از حکمرانی دستوری به حکمرانی رسانه‌ای

در این میان، «اقتصاد مقاومتی» به‌عنوان دالّ مرکزی، نقش اتصال‌دهنده این سطوح را ایفا می‌کند و به یک «دکترین چندلایه» تبدیل می‌شود که همزمان:

- معنا تولید می‌کند
- انسجام می‌سازد
- و امنیت را بازتعریف می‌کند

به بیان دیگر، آنچه در این پیام رخ می‌دهد، صرفاً نام‌گذاری یک سال نیست؛ بلکه «بازآرایی میدان قدرت» در سطحی عمیق‌تر از سیاست روزمره است؛ در سطح گفتمان.



اقتصاد مقاومتی در سایه سار وحدت و امنیت ملی

زهرا یوسفی مصری
پژوهشگردوره دهم تربیت پژوهشگری معارف انقلاب اسلامی

این یادداشت تحلیلی برشعار امسال رهبر عزیز کشور **آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای** که فرمودند اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی در اینجا به سه مفهوم بنیادین مقاومت وحدت ملی و امنیت ملی می پردازیم.



هدف اصلی، تبیین پیوندهای نظری و عملی این سه ساحت و نشان دادن چگونگی تعامل متقابل آنها در ایجاد پایداری نظامهای‌سیاسی-اجتماعی است.
با توجه به اینکه، مقاومت، وحدت و امنیت ملی سه رکن اساسی در



استحکام و پایداری هر ملت و کشور هستند. این سه مفهوم، اگرچه هر کدام تعریف و کارکرد مستقلی دارند، اما در عین حال با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند و تکمیل کننده یکدیگرند. استحکام کشورها و ملتها در گرو تقویت همزمان این سه رکن است. مقاومت به معنای ایستادگی، وحدت به معنای همبستگی، امنیت ملی به معنای حفاظت از تمام ابعاد وجودی یک ملت است.
این سه مفهوم، وقتی با یکدیگر ترکیب شوند، قدرت بازدارنده و پایداری را ایجاد می‌کنند که کشور را در برابر چالش‌های پیچیده معاصر مقاوم می‌سازد. رابطه بین مقاومت، وحدت ملی و امنیت ملی، رابطه‌ای دیالکتیکی و متقابل است. هر سه مفهوم، مکمل یکدیگرند و تقویت هر یک، زمینه ساز تقویت دو ساحت دیگر می‌شود. در جهان امروز که امنیت ملی با تهدیدات پیچیده و چندوجهی روبروست، اتخاذ رویکردی جامع که این سه رکن را در کنار هم تقویت کند، ضرورتی اجتنابناپذیر است. سیاستگذاریهای ملی باید با نگاهی نظاممند، زمینه های هم افزایی این سه ساحت را فراهم آورند تا کشورها در برابر چالشهای معاصر تاب آور و بازدارنده بمانند.

تعریف مقاومت، وحدت، امنیت

مقاومت

مقاومت در علوم سیاسی به معنای مجموعه اقدامات سازمانیافته برای مقابله با فشارها، تهدیدات و تجاوزات است .بر خلاف برداشت اولیه که مقاومت را صرفا واکنشی و تدافعی میپندارد، در ادبیات معاصر، مقاومت به عنوان یک استراتژیک فعال در نظر گرفته میشود که شامل توان بازدارندگی، تاب آوری اجتماعی و خودکفایی در ابعاد مختلف از جمله مقاومت اقتصادی

است.

وحدت

وحدت ملی مفهومی فراتر دارد. این مفهوم به معنای وجود همسویی در ارزشهای بنیادین، اهداف کلان و اقدامات عملی در سطح جامعه است .از منظر جامعه شناسی سیاسی، وحدت ملی شاخصی از سرمایه اجتماعی است که در شرایط بحران، توانایی بسیج و سازماندهی جمعی را افزایش میدهد و این جز در سایه وحدت ملت و دولت شکوفا نمی شود.

امنیت

امنیت ملی به معنای حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت سیاسی و رفاه شهروندان در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است. در نظریه های نوین امنیتی، این مفهوم از صرف ابعاد نظامی فراتر رفته و ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد. پس امنیت ملی زیر مجموعه وحدت ملی است و هر سه لازم و ملزوم یکدیگر هستند. مقاومت موفق نیازمند بستر اجتماعی همبسته است. بدون وحدت ملی، اقدامات مقاومتی به صورت پراکنده و بی اثر باقی میمانند. در مقابل وحدت ملی در میدان مقاومت معنا می‌یابد؛ زیرا شرایط بحرانی و تهدیدات خارجی، همبستگی را تقویت می‌کنند.. بنابراین، وحدت ملی، پایداری نظام سیاسی را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی تضمین می‌کند .در کشورهای فاقد انسجام اجتماعی، امنیت ملی همواره در معرض تهدید است؛ زیرا شکافهای درونی، راه را برای نفوذ عوامل بیگانه هموار می‌سازند .مقاومت توانمند، امنیت ملی را به مثابه یک دستاورد پویا تأمین میکند. کشورهایی که توان مقاومت در برابرفشارها را دارند، امنیت ملی پایدارتری را تجربه می‌کنند .در عین حال، امنیت ملی بستر لازم را برای توسعه فرهنگ مقاومت فراهم می‌آورد

راهکارهای تقویت (مقاومت، وحدت، امنیت)

حال در قرن بیست و یک که این تهدیدات افزایش پیدا کرده راهکارهایی برای تقویت این سه (مقاومت، وحدت و امنیت(باید به وجود بیاوریم که در اینجا به اختصار بازگو می‌کنیم

اولین راهکار تقویت در حیطه آموزش و تربیت چه در سطح آموزش و پر ورش چه در سطح دانشگاه ها باید باشد نهادینه سازی فرهنگ مقاومت و وحدت در نظام های آموزشی خود یک بنیان قوی برای تقویت است.

دومین راهکار در حیطه اقتصاد مقاومتی است که خود این خود کفایی در سطح بالا خودکفا شود و وابستگی های استراتژیک را کاهش دهد و دیپلماسی فعال که خود باعث تقویت شبکه های جهانی و بین المللی می باشد از همه مهمتر که به شدت در تقویت این سه واژه تاثیر گذار است.

راهکار آخر ، ایجاد اعتماد عمومی ملت و کاهش شکاف های اجتماعی ست هر چقدر اعتماد و شفاف سازی از طرف دولت بیشتر باشد قطعا ملت اعتماد خواهد کرد و وحدت و امنیت در کنار این توان و قوی خواهد شد.

مخلص کلام این است که، رابطه بین مقاومت، وحدت ملی و امنیت ملی، رابطهای دیالکتیکی و متقابل است. هر سه مفهوم مکمل یکدیگرند و تقویت هر یک، زمینه ساز تقویت دو ساحت دیگر میشود. در جهان امروز که امنیت ملی با تهدیدات پیچیده و چندوجهی روبروست، اتخاذ رویکردی جامع که این سه رکن را در کنار هم تقویت کند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. سیاستگذاریهای ملی باید با نگاهی نظام‌مند، زمینه های هم افزایی این سه ساحت را فراهم آورند تا کشورها در برابر چالشهای معاصر تاب‌آور و بازدارنده بمانند.

و امید است ملت شریف و دولت و حاکمیت باید با وحدت ملی بتوانند با مقاومت اقتصادی، امنیت ملی و وحدت را به کمک همدیگر به وجود بیاورند وابن سه، هر یک لازم و ملزوم یکدیگرند و هیچ یک بدون دیگری و بدون وحدت موفقیت لازم و کامل را به دست نخواهند آورد.



رسانه رهبر انقلاب اسلامی

مروری بر ابعاد مختلف شعار سال ۱۴۰۵ براساس پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب

راه شکست دشمن در جنگ اقتصادی

عنوان شعار ۱۴۰۵

«اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی»

سابقه موضوع

تعیین شعار اقتصادی در سال‌های مختلف توسط رهبر شهیدمان

سال ۱۴۰۵

اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی

اهمیت

نوعی دفاع و بلکه پیشروی چشمگیر در مقابل جنگ اقتصادی دشمن

ضرورت

مقابله با نقشه‌ی دشمن برای بهره‌گیری از ضعف‌های اقتصادی و مدیریتی

اقدام مرتبط

تدوین نسخه‌ی علاجی کارساز، کارشناسی شده و جامع الاطراف

چشم انداز

عمل به نسخه‌ی علاج تدوین شده، توسط مسئولین با همکاری ملت

ثمرات تحقق

- تأمین معیشت مردم
- ارتقاء زیرساخت‌های زیستی و رفاهی مردم
- تولید ثروت برای عموم مردم